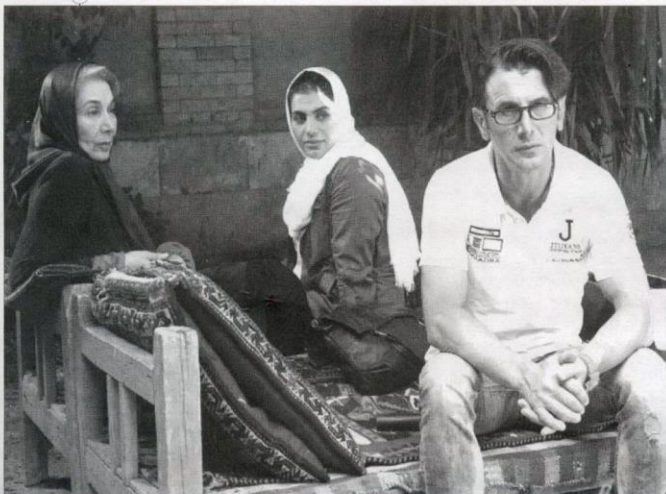


جدی و معتقد به سینماست، ویتربینی خالی داشته باشد و توان آویختن به هیچ چه‌رهای برای کشاندن مخاطبان به سینما را در خود نبیند. وقتی حتی در کارنامه چهره‌های تا چند سال پیش موجه سینمایمان دست‌کم چند فیلم و سریال نازل دیده می‌شود، یعنی بازی را بدجایی باخته‌ایم و حتی برای پوشاندن بحران و دروغ گفتن به مخاطب هم دست سینما خالی است.

در ماهی که گذشت باز هم شاهد شکست تجاری چند فیلم در اکران عمومی بودیم و در گروه هنر و تجربه هم به روال معهود این چند سال، آثار جدیدی بدون آن‌که موج خاصی ایجاد کنند سهمیه اکران‌شان را گرفته و جای‌شان را به آثار مشابه داده‌اند. شاید تنها نقطه روشن اکران، لاقال فیلم توچه‌پرنیاز جسنوراه فیلم فجر، در میانه‌های تابستان باشد. **قصر شهربان** (رضا میرکریمی) با پشتوانه جوایز جهانی‌اش و انتخابات به عنوان فیلم برگزیده منتقدان، شروعی کیم‌فروغ داشت اما در ادامه به سطح متوسطی از فروش رسید و اکنون از مرز دو میلیارد تومان گذشته است. فیلم با هدف جذب مخاطب عام ساخته نشده، اما با توجه به قصه درگیرکننده و ساختار سراسرتش، و حضور حامد بهداد در نقشی چشمگیر، می‌تواند روی تبلیغات شفاهی در هفته‌های پایانی اکرانش حساب ویزهای باز کند، کما این‌که نمودار فروش نیز سیری صعودی داشته. اما در سوی مقابل، **ایده اصلی** (آرژنتا موگویی) با ویتربینی پرستاره و ساختاری جذاب و معماوار، در همان هفته نخست و با وجود تعطیلی روزه‌های سوگاری و لغو برخی سانس‌هایش، توانست از مرز میلیارد بگذرد و تبلیغاتی در فضای مجازی نیز نوید روزهای پررنگ‌اش را در ادامه اکرانش می‌دهد. **ایده اصلی** در ردیف فیلم‌های تجاری و مردم‌پسند قرار می‌گیرد و تصویرهای شیک و خوش‌آب‌و‌رنگش از زندگی آدم‌های پولدار و جاهل در جزیره کیش و لوکیشن‌هایی زیبا در اروپا، باعث شده مخاطباتش با گذشت زمان افزایش بیابند، اما نکته مهم درباره فیلم این است که بر خلاف اغلب آثار تجاری، **ایده اصلی** نقدهای مثبتی هم گرفته و جزو آثار آبرومند اکران ۹۸ محسوب می‌شود. آرژنتا موگویی با انتشار فهرست دقیق هزینه‌های فیلم، آن هم برای فیلمی که در چند کشور و با ارز متغیر تولید شده، کار جدیدی کرد که توجه خیلی‌ها را به فیلم جلب کرد.

در کنار این‌ها، **قسم** (محسن تائبنده) نیز اکران شد که بیش‌ترین تبلیغش بحث عدم حضور مهمان افشار، بازیگر اصلی‌اش، در آیین‌های رونمایی بود. **قسم** که درام جدایی دارد فروش متوسطی داشته ولی از لحاظ انتقادی فیلم موفق بوده و مخاطبان جدی‌تر سینما را راضی می‌کند.

از چند فیلم تجاری و کم‌دی‌هایی از نوع **ایکس لارج** که بگذریم، کل درایی اکران تابستان همین چند فیلم است و سایر آثار اکران‌شده مثل **جانان** (کامران قدکچیان) و **سروکوب** (رضا گوران) در اغلب سانس‌ها با مخاطبان اندک مواجهند. تکلیف اناری چون تهلی و اول (حسین نواجف) هم که معلوم است، هرچند این تنها فیلمی‌ست



سید علی

که برای مخاطب خردسال ساخته شده و شاید با حمایت‌های رسمی بتواند در ادامه فروش بهتری داشته باشد.

۳. «شهرزاد»: آگه می‌تونی شو بگریز

سینمای ایران و پول‌های مشکوک، پول‌های مشکوک و بی‌حساب و ریخت‌وپاش در ساخت فیلم بالا گرفتن‌شان نام **سریال شهرزاد** به میان نیاید. وضعیتی که ماه گذشته و با صدور حکم بیست سال زندان برای سیدهای رضوی - سرمایه‌گذار فصل اول **شهرزاد** - و ده سال زندان برای احسان دلاویز، باز جان گرفت و این بار بحث‌ها در فضای رسانه‌ای به سمت سرنوشت دستمزد رفت. برخی با اشاره به این که حکم رضوی، درستی میبات مطرح‌شده در کيفرخواست او و اودگی پول‌های پرداخت‌شده در قالب دستمزد را ثابت می‌کند، از لزوم بازگرداندن این دستمزد‌ها سخن گفتند. بحثی که خیلی زود واکنش حقوق‌دانان را برانگیخت. ابتدا رسول کوهپایه‌زاده، وکیل که با وکالت بابک زنجانی نامش بر سر زبان‌ها افتاد، در مصاحبه‌ای از قابل‌استرداد بودن پول‌ها سخن گفت: «موالی که از ایشان ضبط شده باید به بیت‌المال برگردد. حتی اگر این پول‌ها در مواردی مصرف شده باشد که ظاهر به‌اصطلاح فرهنگی ولی منشأ مجرمانه داشته باشد، قابل‌استرداد است.» کوهپایه‌زاده درباره وضعیت دستمزد بازیگران و عوامل مجموعه در صورت بازگردان مبالغ دریافتی گفت: «هنرمندان این کسانی که با مجموعه فرهنگی ایشان کار کرده‌اند می‌توانند جداگانه دادخواست مطالبه کار‌الزحمة را در مراجع ذی‌صلاح بدهند.» اما کمک‌بیز نوری انتظار بازگردان پول‌های پرداخت‌شده در قالب دستمزد را نه‌تنها غیرقانونی

استیمای ایران

از بازیگران سه فصل **شهرزاد**، در مصاحبه‌ای از دستمزد خود در این سریال پرده بردار و اعلام کند ماهانه سی میلیون تومان دستمزد گرفته است. این خبر، واکنش‌های متعددی در پی آورد. بسیاری می‌گفتند فلاحی‌پور نه شهرت بازیگران اصلی مجموعه را دارد و نه نقش قابل‌مقایسه با آن‌هاست، وقتی او ماهانه سی میلیون تومان دستمزد می‌گرفته، ستاره‌های سریال جعفر دریافت کرده‌اند؟ در واقع این شفاف‌سازی بازیگر سریال، به جای آن‌که افکار عمومی را قانع کند ابهام‌های بیش‌تری ایجاد کرد و البته بخشی از واکنش‌ها نیز از سر خشم و ناراضی‌تی مردم از وضعیت عمومی‌شان بود که طیامتا تقصیرش متوجه عوامل و بازیگران

۱. «سریال ویدئویی نیست» *

بازار حسد و گمان و شایعه داشت داغ می‌شد که مصطفی زمانی با انجام مصاحبه‌ای و البته بدون اعلام دستمزدش پیشینه‌دار که قراردادهایش در این مجموعه و مبالغ دریافتی‌اش پیش و پس از **سریال شهرزاد** بررسی شود و اگر دادگاه به این نتیجه رسید که او در این سریال پول بیش‌تری گرفته حاضر است آن را بازگرداند. اظهارنظر زمانی تا این لحظه مهم‌ترین موضع‌گیری یکی از عوامل اصلی **سریال شهرزاد** است؛ سریالی که دوستش داشته باشیم یا نه، با چند نام گره خورده که مصطفی زمانی یکی از آن‌هاست و در غائله **شهرزاد** حاضر به موضع‌گیری شده است. با اطمینان می‌توان گفت بحث‌های حقوقی بر سر درستی یا نادرستی پس گردن مبالغ دریافتی در این مجموعه و نیز امکان‌پذیر بودن یا نبودن چنین حرکتی ادامه خواهد داشت.

۲. «جعبه‌جاده» منطقه ممنوعه *

یکی از کلیت‌واژه‌های خبرهای سینمایی ماه گذشته، «ممنوع‌التصویری» بود. ابتدا محسن تائبنده اعلام کرد که تلویزیون به دلیل ممنوع‌التصویری هم‌ا

افشار از پخش تیزرهای **قسم** خوداری می‌کند. جالب این که دو هفته اعتراضی تائبنده به این وضعیت مانع از دعوت او به برنامه نقد **سینما** (با اجرای بهروز افخمی از کانال پنج پخش می‌شود) نشد و تائبنده در همان گفت‌وگو هم از صداسوسما بابت این وضعیت گلایه کرد. دو هفته پس از **قسم**، **ایده اصلی** (آرژنتا موگویی) روی پرده آمد و پس از یک هفته پخش‌کننده فیلم در گفت‌وگویی از عدم پخش تیزرها خبر داد و گفت بازگویی صداسوسما دلیل این اقدام را ممنوع‌التصویری هائیه توسلی اعلام کرده است.

با انتشار هر یک از این خبرها فضای مجازی و واقعی از پرسش و شایعه می‌شد و این وسط جدا از پرسش میزان تأثیرگذاری چنین تصمیم‌هایی در دوران گسترش راه‌ها و شبکه‌های ارتباطی، برخی از سینماگران و پخش‌کنندگان از غافل‌گیرکننده بودن آن گلایه می‌کردند. مشخص نبود چرا مثلاً در تمام مراحل گفت‌وگو و تعیین تعداد و نوبت پخش تیزرها و بستن قرارداد، چنین تصمیمی اعلام نمی‌شود و بعد ناگهان از جایی خبر می‌رسد که تیزرها به دلیل وجود فلان بازیگر امکان پخش ندارند. بگذریم که این تصمیم برای فیلم‌هایی مثل **قسم** که کلا از یک ستاره بهره می‌برند، در دسترس است و تصور ساختن تیزری بدون حضور همان یک ستاره فراتر از ممکن یا غیرممکن بودن، خنده‌دار است. پرسش اصلی و نهایی هم مثل همیشه دلیل چنین ممنوعیت‌هایی است که هرگز اعلام نمی‌شود و همین نکته را برای رسانه‌های مختلف داخلی و خارجی را باز می‌گذارد تا هر حد و گمان یا هر دلیلی که به کار جذب بیش‌تر مخاطب یا پیش‌برد اهداف‌شان می‌آید برای چنین ممنوعیت‌هایی اعلام کنند و سوشل را ببرند!

چندی پیش با بازداشت یکی از عکاسان که سابقه کار در محیط‌های هنری و فرهنگی را داشته، دادستانی در اظهار نظر مبهمی اعلام کرد که در کامپیوتر و دوربین ایشان تصویرهایی یافته شده



دینار شهاب حسینی، بهروز نوری در آیین گرامی

که در شان هنرمندان نیست. طبعاً چنین جمله غیرحقوقی و ابهام‌انگیزی، بیش از آن‌که نکته‌ای را روشن کند به ابهام‌ها و پرسش‌ها دامن می‌زند. منظور نویسنده به تصویربرداری و «شان هنرمند» چه معنایی و از سوی کدام نهاد تعیین می‌شود؟ آیا اطلاع‌رسانی درباره وجود چنین تصویرهایی، با توضیحاتی چنین مبهم و سرسخت، نوعی پیام هشدار است که برای احتیاط و خویش‌داری بیش‌تر صادر می‌شود؟ خیلی از ناظران معتقدند که دلایل این اقدام را ممنوع‌التصویری هائیه توسلی انتخاب، مسئولان ترجیح می‌دهند دامنه حضور و اثرگذاری سلبریتی‌ها در فضای مجازی را کنترل و غیرمستقیم به آن‌ها هشدار بدهند که حاشیه و هیاهو ممکن است برای‌شان گران تمام شود. حاشیه‌هایی مثل آن‌چه در ماه‌های اخیر برای چهره‌های سرشناسی چون مهدی هاشمی، امیر جعفری و ستاره اسکندری اتفاق افتاد و هزینه‌هایی گزاف برای آن‌ها و دوستان‌شان به همراه داشت.

۳. «ترازیت سلبریتی‌ها!»

خبر ارائه فیلم‌نامه‌ای به نام «سؤال» برای دریافت پروانه ساخت به تهیه‌کنندگی محمدحاشم سبکی خیلی زود رسانه‌ها را درنوردید. دلیل پربازدید شدن این خبر نام نویسنده و کارگردان بود؛ فرزاد (محمد) دلجوی سینمای پیش از انقلاب که تصمیم گرفته فیلم‌نامه‌ای با بازی خودش و تهیه‌کنندگی سبکی بسازد. تهیه‌کننده‌ای که نامش یادآور «شیرازفیلم» است و خودش در گفت‌وگویی پس از بالا گرفتن کتجکاو‌ها گفت وزارت ارشاد با احیای شیرازفیلم موافقت و از سبکی درخواست یک فیلم‌نامه کرده و او هم فیلم‌نامه «سؤال» را ارائه داده است. سبکی در پاسخ به امکان فعالیت دلجو در ایران توضیح داد که این سینماگر نه مشکل سیاسی دارد و نه امنیتی و حتی پاسپورت ایرانی‌اش صادر شده و به محض صدور پروانه ساخت به ایران می‌آید و پیش‌تولید را آغاز می‌کند.

البته از توضیح‌های سبکی مشخص شد که «سؤال» محصولی مشترک است و در چند کشور می‌گذرد و تنها بازیگر ایرانی‌اش خود دلجو خواهد بود. ولی این نکات هم مانع کتجکاو‌ها برای بی‌گیری عاقبت این پروژه نمی‌شود و رسانه‌ها همچنان کتجکاو مراحل بعدی تولید هستند. موضوع ادامه فعالیت یک سینماگر قدیمی، اگر دستاویز تبلیغاتی نباشد و برای مطرح کردن نام قبلی در دست تولید بر سر زبان‌ها نیفتاده باشد، یک اتفاق مثبت است که فارغ از صحت و سقم‌اش، نیاز به ارتباط مستقیم و شفاف نهادهای تصمیم‌ساز با رسانه‌های عمومی را یادآوری می‌کند.

همزمان با دورخیز دلجو برای ساخت فیلمی در ایران، شهاب حسینی به اورنج‌کانتی کالیفرنیا رفت. جایی که سه فیلم **نیات**، **کاتاتونیا** و **خانه پدری** را با بازی او و فیلم‌های **تنگسیر**، **سوته‌دلان** و **گون‌ها** با بازی بهروز وثوقی به نمایش درآمدند و سپس این دو بازیگر در نشست‌های پرسش و پاسخ با مخاطبان شرکت کردند. حدود یک ماه بعد و اواخر مرداد وقتی خبر پایان صداپیشگی حسینی